

یک کمپانی آمریکایی حق اکران ۲ فیلم اول فرهادی را در اختیار گرفت

اکران «رقص در غبار» و «شهر زیبا» در آمریکا



فیلم «شهر زیبا» دیگر ساخته اصغر فرهادی محصول ۲۰۰۴ با نقش آفرینی ترانه علیدوستی، حسین فرضی‌زاده و فرامرز قریبیان نیز موفق به کسب جایزه بزرگ هیات داوران

کمپانی آمریکایی حق اکران نسخه بازسازی شده دو فیلم «رقص در غبار» و «شهر زیبا» دو ساخته بلند و نخست اصغر فرهادی را در اختیار گرفت.

به گزارش ایسنا به نقل از ددلاین، نسخه ترمیم شده دو فیلم «رقص در غبار» و «شهر زیبا» از ساخته‌های اصغر فرهادی با کیفیت ۲k از سوی کمپانی «Film Movement Classics» در سال جاری میلادی در سینماهای آمریکا و سامانه‌های نمایش آنلاین اکران خواهد شد. فیلم «رقص در غبار» محصول سال ۲۰۰۳ با بازی یوسف خداپرست، باران کوثری و فرامرز قریبیان، داستان زندگی جوانی به نام نظر است که در مینی‌پوس با ریچانه آشنا می‌شود و ازدواج می‌کند، اما حرف‌های ناپسندی که در مورد مادر ریچانه وجود دارد، او را مجبور می‌کند تا ریچانه را طلاق بدهد و …

«رقص در غبار» در سال اکران خود موفق به کسب جوایز بهترین کارگردانی، فیلمنامه و نقش مکمل مرد از جوایز فیلم آسیاپاسیفیک و جایزه ویژه منتقدان روسی از بیست و پنجمین جشنواره فیلم مسکو شد.



فردین رحمانپور گفت: نمایش «آرتمی» حرف دل جوانانی است که در حال فعالیت در تئاتر و سینما هستند و به آن‌ها توجه نمی‌شود.

نمایش «آرتمی» نوشته فردین رحمانپور و محمد کرمی به کارگردانی فردین رحمانپور و تهیه‌کنندگی امین سعدی از دهم اسفندماه ساعت ۱۷ در عمارت نوفل‌لوشاتوروی صحنه است. بازیگران این نمایش فرزاد احدی، مانا افکار، علی اکباتانی، الهه جامی، پوریا صفایی‌زاده، حنا فتح‌اللهی، امیرحسین قلندری، حامد کرپوند، سمانه مرادی و مرتضی یعقوب‌پور هستند.

فردین رحمانپور در گفت‌وگو با هنرآنلاین درباره روند موضوع و مضمون نمایش گفت: نمایش «آرتمی» از حمایت و اعتماد می‌گوید و کاملاً براساس واقعیت شکل

گرفته است و مطمئناً خیلی از حرف‌های نمایش حرف دل جوانانی است که در حال فعالیت در تئاتر و سینما هستند و به آن‌ها توجه نمی‌شود.

او در ادامه افزود: «آرتمی» دعوت به چالشی از نوع خیال و لبخند است. نمایش سراسر مملو از لحظه‌ها و روایت‌های روان و خودمانی است که پر تکلف نیست و قرار است در ساده‌ترین شکل با مخاطب همراه باشد و از لبخند تا خنده و از تفکر به تصمیم را با مخاطب تجربه کند و با او پیش برود تا چندین انتها و چندین تصمیم رقم بزند و مخاطب را در چند راهی‌های شیرین قرار دهد. این کارگردان اضافه کرد: در «آرتمی» قرار است زندگی کنیم و از انواع بشر ، به گونه‌ی جوانان تئاتری تونلی خیالی بزنیم و تجربه کنیم مسیر میان خیال، باور، آرزو، عشق و بی‌انتهایی را تا خندیدن و حتی درد را. آرتمی ساده است، اما حرف‌های زیادی در خود جا داده است.

رحمانپور ضمن اشاره به اینکه اتفاق‌های نمایش در زمان حال است و تمام آن‌ها را خودمان در اطرافیان و زندگی شخصی دیده و حس کرده‌ایم، درباره سبک و فضای اجرایی عنوان کرد: فضای نمایش رئالیسم جادویی و دارای یک ترکیب زیباییست. ساده‌تر بخواهم بگویم، من ذهن نامنظم را برای مخاطب نقاشی کرده‌ام و چه خوب چه بد این نقاشی ذهن من است و به نظر لازم بود زندگی نه آن چنان که

در واقعیت اتفاق می‌افتد بلکه آن‌گونه که به شکلی مبهم در روایها، دیده‌ها و لحظات اعتلای روحی‌مان احساس می‌کنیم تصویر شود.او درباره ویژگی‌های نمایش اظهار کرد: فکر می‌کنم همه بتوانند با آرتمی ارتباط بگیرند، جدای هر بحثی، آرتمی از دل اجتماع گرفته شده است و مخاطب را باخنده از سالن به بیرون راهی می‌کند اما به فکر فرو می‌برد. فردین رحمانپور در بخشی از صحبت‌هایش گفت: من یک خواهشی از بزرگان تئاتر دارم، از کسانی که در این حرفه جایگاهی دارند، می‌شود کمی آرام باشید؟ می‌شود خواهشش کنم مقداری با جوان‌های این حرفه که تازه کار هستند خوب برخورد کنید؟

می‌شود خواهش کنم آقدر سنگ جلوی پای آن‌ها نیندازید؟ می‌شود خواهش کنم نگاه بالا به پایین نداشته باشید، هوای‌شان را داشته باشید؟ ما احتیاج به حمایت شما بزرگان داریم، احتیاج به علم شما داریم. قرار نیست جای شما را بگیریم، قرار است کنارتان یاد بگیریم. همچنین اضافه کرد: میدان داند به جوان‌های متعدد و با پشت کار بهترین کار ممکن است، امکانش هست ما بی‌تجربه باشیم اما نادان نیستیم و می‌خواهیم از طرف بزرگان‌مان موردحمایت قرار بگیریم و از آنها یاد بگیریم، …

رحمانپور در پایان گفت: در این روزهای کرونایی تئاتر

«علا» جمع می‌شوند تا هجدهمین سالروز تولد «اکبر» را جشن بگیرند. اکبر متهم است دو سال پیش دختری را کشته و حالا زمان قصاص اوست و دوستش اعلا بعد از آزادی در تلاش است تا رضایت خانوادۀ مقتول را بگیرد و دوستش را از طناب دار نجات دهد اما او در این جریان ناخوaste عاشق خواهر اکبر می‌شود…

«هایکل روزنبرگ» رئیس کمپانی «Film Movement» در این باره گفت: «در طول دو دهه گذشته، فرهادی دوران حرفه‌ای بسیار موفقی را به عنوان فیلمساز تجربه کرده است و همچنان با ساخت فیلم‌های موفق از «جدایی» و «فروشنده» تا فیلم «قه‌رمان» به تکامل حرفه خود ادامه می‌دهد، اما علاقه‌مندان به سینما مطمئناً تماشاگر نسخه ترمیم‌شده فیلم‌های «رقص در غبار» و «شهر زیبا» به عنوان دو جواهر سینمایی نخست او شگفت‌زده خواهند شد. کمپانی «Film Movement Classics» قرارداد ترمیم و اکران دو فیلم «رقص در غبار» و «شهر زیبا» را با کمپانی نوری پیکچرز به ریاست کتاویون شهبای و به نمایندگی از اصغر فرهادی منعقد کرده است.

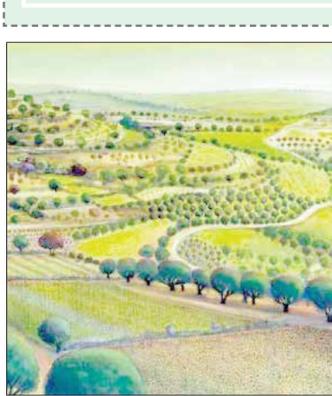
«آرتمی» به روایت رحمانپور

دعوت به چالشی از نوع خیال و لبخند

کار کردن سخت است. دراین شرایط سخت اقتصادی ناشی از کرونا و در حالی که بسیاری از پیشکسوتان تئاتر فعالیت‌شان را تا بهبودی شرایط منحل کرده‌اند تیم ما که تیمی جوان و پراکنجه است تمام تلاشش را می‌کند تا بدون چشم داشت مالی در روشن نگه داشتن چراغ تئاتر نقش داشته باشد.
دیگر عوامل این نمایش عبارتند از: دستیار اول کارگردان: حامد کرپوند، منشی صحنه: بهار کشاورز، برنامه‌ریز: آرزو باقری، دستیار دوم کارگردان: امیرحسین قلندری، طراح صحنه: محمود صادقی، ساخت دکور: آرش دانایی و امیرضا معارف‌دوست، دستیار صحنه: عباس وزیری، طراح نور: مصطفی عباسی، آهنگساز: پارسا خسروی، اپراتور صدا: مبینا صفهانی، اپراتور نور: محمدمهدی قاسمی، طراح لباس: کینا طالبی، طراح گریم: فرزانه جدید، گریم آقایان: پوریا جدید، گریم خانم‌ها: هانیه مبینی و سعیده شیرمحمدی، ساخت تیزر و طراح پوستر: رسول شهبازی و رؤف شهبازی، سرپرست عکاسان: سپهر خان‌زاده، عکاس: میغام شامشی و امین عطل‌زاده، مدیر رسانه: امیر پارسائیان‌مهر، جبری طرح و نماینده اجرایی: محمد لپاک، مدیر روابط‌عمومی و تبلیغات: محمد لپاک، مدیر اجرایی و برنامه‌ریز: مریم صبییری‌فر، ساخت تیزر: امین عطل‌زاد، دستیار روابط‌عمومی: بهار بلغاری و دیجیتال مارکتینگ: گروه ما.

در گذشت ایران‌شناس انگلیسی

راجر مروین سیوُری، ایران‌شناس و صفویه‌پژوه انگلیسی در ۹۷سالگی در کانادا درگذشت. به گزارش ایسنا، راجر مروین سیوُری (Roger Mervyn Savory) که پنج‌شنبه ۱۷ فوریه ۲۰۲۲ (۲۸ بهمن ۱۴۰۰) در ۹۷ سالگی در کانادا از دنیا رفت. ۲۷ سال در گروه مطالعات شرقی دانشگاه آتاوا به تدریس و تحقیق درباره ایران پرداخت و در جایگاه یک صفویه‌پژوه شناخته می‌شد. مرکز دایرالمعارف بزرگ اسلامی در معرفی بیشتر راجر مروین سیوُری نوشته است: او در مدرسه سلطنتی شهر پیتربورو تحصیل کرد. در سال ۱۹۴۳ با بورس تحصیلی اداره جنگ و وزارت اطلاعات، دوره فشرده زبان فارسی در مدرسه مطالعات شرقی و آفریقایی (سواس) در دانشگاه لندن را گذراند. در سال ۱۹۴۷ به مطالعات عربی و فارسی در کویئنز کالج در دانشگاه اسکسفورد روی آورد. در سال ۱۹۵۰ لیسانس خود را در مطالعات شرقی دریافت کرد. پس از ۱۰ سال تدریس و مطالعه به عنوان آموزشیار زبان فارسی در دانشگاه لندن (سواس)، در سال ۱۹۵۸ دورهٔ دکتری را تمام کرد. در سال ۱۹۶۰ به عنوان استاد مدعو راهی دبایرتمان مطالعات شرقی دانشگاه تورنتو در کانادا شد. در سال ۱۹۶۱ به پذیرش دریافت پیشنهاد شغل دائمی در دبایرتمان تازه‌تأسیس مطالعات اسلامی این دانشگاه برای همیشه در کانادا ماندگار شد. او نقش مهمی در پیشبرد این دبایرتمان و به‌طور خاص گسترش مطالعات ایرانی در آن داشت. در سال ۱۹۸۷ پس از بازنستگی در دانشگاه تورنتو به عنوان استاد ممتاز همکار در ترینتی کالج به کار خود ادامه داد.



مطرح کرده و با انتقادهای رسانه‌ها روبه‌رو شده بود. نکته عجیب اینکه مسئولان دوسالانه ونیز از رویدادهای موازی حمایت مالی نمی‌کنند. از این رو، سازمان‌دهندگان «ژ: فلسطین با هنر» در تدارک جمع‌آوری ۲۸۰ هزار دلار

منوچهر حسن‌زاده پاسخ داد

چرا کتاب‌فروشی مروارید تعطیل شد؟

وجود فروشگاه برای نشر به مصلحت نیست. نشر مروارید با قدرت و قوت دارد کار می‌کند و فروشگاه اینترنتی هم فوق‌العاده فعال است.

او درباره شرایط کرونا و تأثیر آن بر صنعت نشر و این‌که آیا تأثیری بر تصمیم به تعطیلی داشته نیز گفت: کرونا تأثیر منفی آن چنانی بر صنعت نشر گذاشت شاید تأثیر مثبتی هم گذاشت زیرا مردم را خانه‌نشین کرد و به احتمال زیاد حجم سفارش‌ها و خواندن کتاب هم بیشتر شد.

انتشارات مروارید در سال ۱۳۴۰ بنا به پیشنهاد مجید روشنگر و با مشارکت فریدون نیکنام، منوچهر حسن‌زاده و پرویزعلی‌بیک تاسیس شد. نخستین کاری که انتشارات مروارید چاپ کرد رمانی بود به نام دلشکسته کار ناتانیل وست است که به ترجمه عبدالله توکل منتشر شد. فعالیت این انتشارات با چاپ شعرهای بیژن جلالی برای اولین‌بار ادامه یافت.

در سال ۱۳۴۱ با اجاره مغازه‌ای روبروی‌رو دانشگاه تهران در خیابان انقلاب اسلامی فروشگاه کتاب انتشارات مروارید با نام «خانه کتاب» راه‌اندازی شد.

در سال ۱۳۴۲ فروغ فرخزاد برای چاپ کتاب شعر

یک کمپانی آمریکایی حق اکران ۲ فیلم اول فرهادی را در اختیار گرفت

اکران «رقص در غبار» و «شهر زیبا» در آمریکا



فیلم «شهر زیبا» دیگر ساخته اصغر فرهادی محصول ۲۰۰۴ با نقش آفرینی ترانه علیدوستی، حسین فرضی‌زاده و فرامرز قریبیان نیز موفق به کسب جایزه بزرگ هیات داوران

فرهنگی

اخبار کوتاه

پخش «مهمونی» ایرج طهماسب برای نوروز



تهیه‌کننده برنامه «مهمومی» به کارگردانی ایرج طهماسب اعلام کرد که این برنامه برای نوروز ۱۴۰۱ و پخش از شبکه نمایش خانگی کلید خورد. به گزارش ایسنا، «مهمونی» جدیدترین اثر ایرج طهماسب پس از ۴ سال دوری از سینما و تلویزیون به تازگی کلید خورده است. این مجموعه نمایشی به کارگردانی و اجرای ایرج طهماسب و تهیه‌کنندگی حسن خدادادی پس از گذراندن مراحل دریافت مجوز، برای پخش در نوروز آماده می‌شود. این مجموعه قرار است از شبکه نمایش خانگی منتشر شود.

نویسنده و تصویرگر محبوب کودکان در گذشت



«شرلی هیوز» نویسنده و تصویرگر پسرکار کتاب‌های کودکان در سن ۹۴ سالگی درگذشت. به گزارش ایسنا به نقل از گاردین، «شرلی هیوز» در طول ۷۰ سال زندگی حرفه‌ای، تعداد سبوری نویسنده‌گی تعداد زیادی

کتاب را بر عهده داشت و به عنوان نخستین فرد در سال ۲۰۱۵ جایزه یک عمر دستاورد بنیاد کتابخوانی «BookTrust» را دریافت کرد و برای تصویرگری کتاب «داگو» به عنوان محبوب‌ترین برنده مدال «کیت گرینوی» (برای تصویرگری کتاب کودکان) در ۵۰ سال اخیر انتخاب شده بود. «فیلیپ پولمن» نویسنده انگلیسی او را فردی با استعدادی غنی و گسترده توصیف کرد و گفت: «او چنان حضور گرم و خیرخواهانه‌ای در زندگی تعداد بی‌شماری از کودکان و والدین آن‌ها دارد که هرگز نمی‌توان تصور کرد کودکی‌مان بدون او چگونه می‌بود.»

ریاست جشنواره کن به یک زن می‌رسد



«پریس نابلاک» به احتمال فراوان به عنوان نخستین زن، ریاست جشنواره بین‌المللی فیلم کن را بر عهده خواهد گرفت. به گزارش ایسنا به نقل از ورایتی‌جشنواره فیلم کن که امسال هفتاد و پنجمین سالگرد خود را

جشن می‌گیرد، احتمالاً مدیریت خود را به «پریس نابلاک» ریس سابق وارنر مدیا (در فرانسه، آلمان، اتریش و سوئیس و ینلوکس) خواهد سپرد. «نابلاک» موقعیت خوبی برای جانشینی «پیر لسنکور» دارد که در ژوئن ۲۰۲۰ برای سومین دوره انتخاب شد و قصد دارد پس از این دوره آتی جشنواره کن، از سمت خود کناره‌گیری کند. این مدیر اجرایی آلمانی الاصل که در پاریس زندگی می‌کند، هنوز توسط هیات مدیره جشنواره کن انتخاب نشده اما از حمایت ویژه چهره‌های برجسته در دولت فرانسه بر خوردار است و بر اساس اعلام منابع خبری فرانسوی، «ژورلین باشلوه» وزیر فرهنگ و «دومینیک بوتوات» رئیس هیات ملی فیلم فرانسه از مهم‌ترین حامیان او هستند. رای گیری برای انتخاب مدیر جشنواره کن در جلسه بعدی هیات مدیره انجام خواهد شد.

نکته

تکاهی به مجموعه شعر «مردگان من و اندک

زنده‌هایی که دوست داشتم»

هر وداع تصویری از مرگ است

سیدرضا جواهری در یادداشتی به نقد و بررسی مجموعه شعر «مردگان من و اندک زنده‌هایی که دوست داشتم» اثر جواد محمدی پرداخته است. در یادداشت این استاد ادبیات دانشگاه که در اختیار هنرآنلاین قرار داده، آمده است: «مجموعه شعر «مردگان من و اندک زنده‌هایی که دوست داشتم» توسط انتشارات ایهام به چاپ رسیده و با استقبال خوبی هم روبه‌رو شده است. جواد محمدی شاعر مجموعه، جوانی مستعد، آگاه و اندیشمند در حوزه شعر و نمایشنامه قلم می‌زند. شعرهایی در این مجموعه می‌خوانی و می‌شنوی که در نهایت کوتاهی و ایجاز بیان شده است. اشعاری ساده، گویا، صریح و عمیق در معنا در این مجموعه لایه‌های معنایی چند بعدی است و گاه زوایای اندیشه فردی می‌شود و چند شعر با حالت شناور و درهم تنیده سروده شده. کثیف حقیقی که تپه‌ها نماز منظر احساس و عاطفه شاعرانه قابل رویت و قابل تامل و بازگشایی است. تلقیق موتیف مرگ و زندگی و عشق در مجموعه بسیار زیبا و قابل‌تامل بیان شده است. جواد محمدی، شاعری است که به سادگی و سهولت حرف شعرش را می‌زند. اهل رُست گرفتن‌های آن‌چنانی نیست. مدعی حرف‌ظهور و تازهای هم نیست. ساختاری ساده- جاندار با زبانی گویا، معمول و ابزکتیویته‌ای فعال و قوی کار کرد معنایی بیشتری در خلق تصاویر ابزّهای ایجاد می‌کند. یک نوع کثرت‌آفرینی در وحدت و برعکس آن را شامل می‌شود که در آن مرگ واسطه‌ای است برای شاهکاری تامل برانگیز. فشرده‌ای است از آنچه در این رابطه شنیده‌ام تلخیصی است از حقیقت جهان امروز که با خودکار عشق به نسبیت پهلو زنده، بدین‌سان نقش می‌زند. سوزه مرگ در مجموعه عامل روایت‌مندی شعر است و راوی از دهان مرگ با مخاطب به گفتی بی‌گو می‌نشیند و در این مونولوگ سعی در جاودانه کردن قاطع خویش در لحظه لحظه زندگی مخاطب دارد و انگار مرگ در جدالی طنز و جد با سوزه زندگی قصد اثبات خویش را جست‌وجو می‌کند و تلاش برای سسرکویی زندگی دارد. روایت مرگ از نوع مرگ‌های مرسوم نیست و در معرفی خود در مقالمی قرار می‌گیرد که گویا شخصیت و ماهیت مخاطب در گرو حضور و اتفاق اوست و برای مخاطب با نوعی نگاه از بالا به پایین تعیین تکلیف می‌کند که با دست‌کشیدن از روال عادی زندگی روزمره می‌توانی به خویشتن خویش و به‌ذات‌بودن خود برگردی و در ضمن تأکید مصرانه خود از مخاطب می‌خواهد که با جنبه‌های شاد زندگی وداع کند و چشم به لبخند مرگ بدوزد و برای رسیدن به این اهداف از طنز کلّامی بهره برده. مانند چرت‌زدن در محل کار یا زدن بوزه‌بند که کنایه‌ای غیرانسانی است، انگار می‌خواهد ایینه‌شدن انسان را در عصر تجدد به رخ بکشد. در شعر «حالا که هیچ دستمی/ یا پستان تابستان گرم نمی‌شود/ در ادبیات مرگ و عشق/ لایه‌لای پُک‌های سیگار/ زبانی با چهره‌های رنگ‌پریده/ قه‌صه می‌گویند/ از سرزمینی که حرف نمی‌زند» با شعری زیبا روبه‌رو هستیم که تکنیک «جان‌بخشی» و روایتی خطی و مستدل در آن استحتکام فرم ذهنی خوبی نیز برخوردار است. کلیدواژه شعر که به انسان‌مداری رسیده واژه «تابستان» است و در نقش زن یا مادری شکست‌خورده ظاهر شده، برضای شعر در طول روایت امکان ظهور و بروز عواطف و اندیشه‌های شخصیت کاربزماتیک خود در هیچ عرصه‌ای نیست. گویا نادیده شندن در امتداد تاریخ از این عنصر محوری و کلیدی شخصیتی منفعل و ناگزیر سرخورده و ممتنع نسبت به اوضاع و احوال خویش پدید آید. با هم آمدند، در بی‌خواهی‌های شبانه، عاشقانه خواندند/گریه کردند چو ماه پنهانی/ و از بازی‌های ظریف/ با هم حرف زدنند/ حرف‌ها بوی شب می‌داد/ و تنها ویرانی/ در گلوئی خواب‌ها گریه می‌کرد. در شعر «عزیمت، تمام رنگ‌هاست» جهان و جهنم ارتباط خوبی در شعر تدارک دیده‌اند و به‌عزیمت الف‌ا الفبا بسیار زیباست. شعر قفر - یک شعر اپیزودیک که هر کدام از این اپیزودها به‌صورت جداگانه اشعار کوتاه خوبی هستند آنچه که عامل امتداد روایت در طول شعر است آوردن و استفاده از تصاویر و مفاهیم مرتبط به سوزه در راستای فرم ذهنی است که این سه اپیزود تشکیل فرم ذهنی برای ایجاد ارتباط عمودی سطرهای به جان‌نوارده، گرچه هر سه اپیزود به تنهایی خود یک شعر قوی محسوب می‌شود. در شعر «بیا جبهه‌هایی پُر از خشم/ به خانه برمی‌گردیم/ وقتی شهر جایی‌ست/ که بوزینه‌ها زیباترین حیوانات خانگی‌اند/ و…» مخاطب لذت می‌برد از ترمیم این شهر لغتی- ترمیم شخصیتی تا نام تو که شعر از دمای زنده‌های مناسی برای تاولی‌های متفاوت می‌کند. در شعر دیگری در این مجموعه، «سنلی که نه خیال مجنون‌بودن دارد/ نه جرات لایلا شدن» نقدی اجتماعی-س تند و تیز و جامعه و مناسبات اجتماعی آدم‌های جامعه می‌زند و همه‌چیز را به تندی از دم تیغ می‌گذراند و تصویرسازی بسیار شیوایی دارد، نسلی که هیچ کارهای گفتن با هم ندارند و به قول استاد اخوان ثالث، سر‌ها در گریبان است. در آخر کتاب، شعرهای مجموعه به تم اجتماعی و نگاهی انسان‌گرایانه با روایتی و متناصب و در جاهایی با زبانی بی‌تکلف همراه است. به‌روایت شاعر دردها و زخم‌های روحی طبیعی با انسان الفتی دیرینه دارند و اتفاقات غیرمترقبه زندگی روزمره جدای از مشتاقی است که انسان برای انسان خلق می‌کند»